

نگاهی گذرا به اندیشه‌های دنیس گولت

سید سعید موسوی ثمرین

پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

مشخصات کتاب‌شناختی این اثر:

موسوی ثمرین، سید سعید (۱۳۹۲). نگاهی گذرا به اندیشه‌های دنیس گولت. جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین)، سال نخست، جستار شماره ۲. نشانی دسترسی اینترنتی:

<http://jostar.mrsi.ir/Vol.1/jostar02.pdf>

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

<http://www.mrsi.ir>

Email: mrsi@chmail.ir

نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین»، به طور خاص برای انتشار بخشی از تأملات و تحقیقات پژوهشگران رویکرد «توسعه تعالی بخش» انتشار می‌یابد؛ ولی موضوع عام این نشریه «مسئله توسعه» است؛ و آثار تألیفی و ترجمه‌ای که با رویکردهای مختلف در موضوع توسعه به نگارش درآمده‌اند نیز در آن منتشر می‌شود. برای دسترسی به مقالات نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین» به سایت این نشریه مراجعه کنید.

<http://www.jostar.mrsi.ir>

Email: mobin.jostar@chmail.ir

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

«جستارهای مبین»؛ سال نخست، جستار شماره ۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۳/۲۹

ISSN 2345-2382

نگاهی گذرا به اندیشه‌های دنیس گولت

سید سعید موسوی ثمرین

این مقاله در صدد معرفی دنیس گولت اندیشمند نام‌آشنای رشته‌ی اخلاق و توسعه و حوزه‌ی توسعه‌ی انسانی است.

از کشورها نیز همراهی و همکاری نموده است. نکته‌ی جالب توجه این است که وی برای مدتی برای نیل به اهداف جامعه‌شناختی خود به عنوان کارگر در کارخانه‌های این کشورها کار کرده است. او در پی این بوده است که سناریوهای بدیل روایت متعارف از زندگی و جامعه‌ی نیک و عادلانه را دریابد.

۲

یکی از اصلی‌ترین نظرات گولت این است که اساساً در بحث توسعه، اتکا به رشد اقتصادی، درآمد سرانه و سایر شاخص‌های کمی فرع موضوع هستند. توسعه از منظر گولت تا به حال به نوعی مهندسی مکانیکی جامعه معطوف بوده

۱

دنیس گولت (۱۹۳۱-۲۰۰۶) اقتصاددانی فرانسوی است. زمینه‌ی اصلی کاری وی مبحث مهم توسعه‌ی انسانی بوده است. اما او را می‌توان مؤسس رشته‌ی علمی «اخلاق توسعه» نامید. او در این رشته به ارتباط بین اخلاق، ارزش‌های انسانی-اجتماعی و توسعه، برنامه‌ریزی و امثال آن می‌پردازد. این حوزه‌ی میان‌رشته‌ای در واقع در سال ۱۹۵۶ میلادی توسط وی تأسیس شده است. گولت برای فهم ابعاد این موضوع مدت ۱۰ سال از عمر خود را در کشورهای مختلفی چون لبنان، برزیل، اسپانیا و الجزایر و... سپری کرده است. هم‌چنین در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی این دست



بهبود اقتصادی، نوسازی نهادی و حداکثر کارایی تکنولوژیک. اما رویکرد چهارم رویکردی است که خود وی مؤسس آن است. توسعه از سنت یا بر مبنای سنت.

۴

گولت معتقد است رویکرد وی نسبت به اهداف هر سه رویکرد قبلی نگاهی ابزاری دارد. یعنی اگرچه به این اهداف به چشم ابزاری برای توسعه می‌نگرد ولی هیچ یک از آنها را فی‌نفسه خوب نمی‌داند. این رویکرد معتقد است کشورهای جهان سوم (حداقل در بخش‌هایی که دارای سنت‌های قوی بوده‌اند) نمی‌نشینند تا افرادی از سایر نقاط جهان بیایند و برای ایشان اهداف زندگی اجتماعی را معین کنند. ایشان مبتنی بر سنت خویش به ارزیابی اهداف مذکور پرداخته و سپس آن‌ها را در قالب زندگی اجتماعی خویش وارد می‌سازند. این رویکرد نیازهای انسانی را در قالبی کلی‌تر - اعم از نیازهای اقتصادی، عاطفی، معنوی و... - نگریند و سپس سعی در تأمین آن‌ها دارد. بدین ترتیب در این نگاه شبکه‌ی ارزشی مضمّن در رویکردهای توسعه‌ای پیشین هم‌عرض و نه برتر از شبکه‌های ارزشی مردمان دیگر نقاط جهان هستند. از منظر او انتظار می‌رود در آینده رویکردهایی که اقتصاد، تکنولوژی، کار آیی و... را تابع ارزش‌های فرهنگی جامعه بدانند، دست‌بالا داشته باشند. او به مثالی در این زمینه اشاره می‌کند: یکی از مناطق مورد مطالعه‌ی وی منطقه - ای روستانشین در بولیوی بوده است. روستاییان

تا بتواند تغییرات تکنولوژیکی سریعی را منجر شود. در مقابل، گولت مدعی است توسعه بایستی به مثابه یک تغییر اساسی در نگرش‌ها، نحوه‌ی مواجهه‌ی آدمی با طبیعت، تصویر وی از زندگی نیک و... فهم شود. در این پارادایم ممکن است رشد بالا در قبال کاهش همبستگی اجتماعی اساساً نه توسعه که ضد توسعه باشد. بنابراین این رویکرد کاملاً پلورالیستی است.

۳

او در گونه‌شناسی خود از پارادایم‌های توسعه چهار پارادایم را مطرح می‌کند. پارادایم اول همان دیدگاه نوسازی معروف است که البته در حال حاضر منسوخ شده است. دیدگاه دوم عبارت است از همان دیدگاه اول با کمی اصلاحات. یعنی رشدی که متضمن نرخ متناسبی از توزیع درآمد باشد. اما دیدگاه سوم دیدگاه نیازهای اساسی است. این دیدگاه نه صرفاً اصلاح این بخش را هدف گذاری می‌نماید، بلکه نقطه‌ی تمرکز توسعه را دگرگون می‌سازد. از این منظر ممکن است تأمین نیازهای اساسی انسان حتی موجبات کاهش رشد اقتصادی را نیز در پی داشته باشد. باید توجه کرد که این رویکرد به طور اساسی با رویکرد دوم متفاوت است. اما از نظر گولت در حال حاضر در اکثر جوامع پیشاصنعتی نیازهای اساسی افراد تأمین شده است و بدین ترتیب این رویکرد (حداقل) برای ایشان کارکردی ندارد. همچنین یکی از اشکالات این رویکرد این است که اهداف توسعه را در رویکردهای قبلی به طور کلی می‌پذیرد. یعنی



باشند. از نظر گولت تنها راه کاهش قدرت فائده-ی این جنس از متخصصان ورود مشارکت-جویانه‌ی مردم در صحنه است. اما وای از روزی که نمایندگان این اقشار، خود طالب گسیل این جنس از متخصصان باشند.

۶

از نظر گولت ابزارها هم به سان اهداف حامل ارزش‌های خاص خود هستند. بنابراین رویکرد سنتی مبنی بر اینکه فقط باید در مورد اهداف اظهار نظر کرد اشتباه است. در رأس این ابزارها تکنولوژی غربی است. این تکنولوژی وفاداری سختی به شکل خاصی از عقلانیت، مفهوم خاصی از کارایی و رویکرد ویژه‌ای به قدرت دارد. به همین دلیل بود که بولیویایی‌ها به انتخاب شکل خاصی از تکنولوژی پرداختند که کمتر مخرب محیط‌زیست و محیط زندگی اجتماعی آن‌ها بود.

۷

از نظر گولت دو دسته هستند که به خوبی در مقابل جریان متعارف توسعه ایستاده‌اند. دسته‌ی اول محیط‌زیست‌گرایان هستند که دغدغه‌های صریحی در مورد محیط‌زیست دارند. اما دسته‌ی دوم به طور پیوسته متذکر می‌شوند که توسعه به روش‌های سرمایه‌داری و حتی سوسیالیستی، فقط عده‌ی خاصی از مردم را ثروتمند ساخته و عمدتاً ناموفق بوده است. از نظر گولت منتقدان هر دو دسته، سه هدف کلی

برای جلوگیری از خالی شدن سکنه‌ی خود اقدام به تشکیل تعاونی ساخت صنایع دستی نموده‌اند. در ابتدا افراد کمی مشارکت کردند، اما تعاونی توانست موفق باشد و بدین ترتیب سود بسیاری کسب کند. اما اقدامی که این تعاونی انجام داد این بود که سود خود را بین همه‌ی اهالی روستا تقسیم نمود و بدین ترتیب امتیاز عمده‌ی خود را نسبت به سایر انواع شرکت‌های اقتصادی به معرض نمایش گذاشت. ایشان توانستند نشان دهند که هویت فرهنگی‌شان مهم‌تر از اقتصاد است.

۵

او متخصصان اقتصادی (اقتصاددانان، بروکرات‌ها، تکنوکرات‌ها و...) کشورهای جهان سوم را غول‌های یک چشم می‌نامد. ایشان عمدتاً از پایتخت که نماد زندگی مدرن است به مناطق مختلف رفته و به دلیل عدم همدلی با ارزش‌های فرهنگی-محلی، طوری عمل می‌کنند که گویی یک کارشناس خارجی هستند. آن‌ها فکر می‌کنند که می‌دانند چه چیزی برای ایشان خوب است و برای رسیدن به این اهداف چه باید کرد. این متخصصان برای دانش غیررسمی مردم منطقه اساساً حیثیت عقلانی قائل نیستند. در نتیجه پاسخ‌های ایشان همگی از این جنس است که کود شیمیایی مصرف کنید؛ تلقیح مصنوعی انجام دهید؛ تکنولوژی مکانیزه را به طور عمومی مورد استفاده قرار دهید و... اما ممکن است این پاسخ-ها که از منظر خاصی عقلایی‌اند در یک معنای وسیع‌تر و آینده‌نگرانه‌تر اساساً ضدعقلایی

را برای توسعه برمی‌شمرند: دیدگاهی منسجم درباره‌ی زندگی خوب انسانی، مفهومی غنی و گسترده از جامعه‌ی عادلانه و نهایتاً فهمی متناسب با دیدگاه‌های قبل در مورد طبیعت. البته باید هر دو رویکرد را تقویت نمود. برای رویکرد اول باید تلاش کرد تا حفظ محیط‌زیست، نه برای افزایش خدماتش در بلندمدت، بلکه به خاطر اینکه فی‌نفسه دارای ارزش است، الزامی شود. ایشان باید البته حق فقرا و کشورهای در حال توسعه را برای استفاده از طبیعت به رسمیت بشناسند. از طرفی باید در مقابل کسانی که معتقدند «حالا نوبت ماست که به‌سان کشورهای پیشرفته حق خود را از طبیعت بگیریم» ایستاد. بنابراین باید هر دو رویکرد تا حدی نسبی شده و بین دو نگرش کلی که «انسان سرور طبیعت است و باید از آن استفاده کند» و «طبیعت فی‌نفسه دارای ارزش است» تعادلی ایجاد نمود.